نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۴، بهار ۱۴۰۱

بازتعریف مفهوم محله ایرانی در بافت‌های تازه توسعه یافته شهری مبتنی بر نظریه داده بنیاد

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۲۸ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۵/۸

صفحات: ۱۱۹-۹۵

محسن ایلاقی حسینی: دانشجوی دکتری گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران
Email: Mohsen.ilaghi@iauk.ac.ir
نیما جهان بین: استادیارو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران[1]
Email: jahanbin@iauk.ac.ir
ایرج قاسمی: استادیارو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ایران
Email: I_ghasemi@ut.ac.ir

چکیده

منظور از انجام پژوهش حاضر بازتعریف مفهوم محله در بافت‌های تازه توسعه یافته شهری می‌باشد. لذا این تحقیق به لحاظ هدف در زمره تحقیقات توسعه‌ای قرار داشته و از نوع کیفی می‌باشد که با رویکرد گراندد تئوری انجام شده است . جهت تحلیل مطالعات اسنادی از روش فراترکیب استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد متخصص و صاحب‌نظر و اساتید دانشگاه در رشته شهرسازی و جامعه‌شناسی می-باشند. روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی، دیدگاه‌ها، تعاریف و مصاحبه عمیق و باز است. در این مطالعه با ۲۲ نفر مصاحبه انجام شد. جهت تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری و بررسی میزان فراوانی کدهای مستخرج از مصاحبه از نرم افزار انویوو[2] استفاده شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بازتعریف مفهوم محله در بافت‌های تازه توسعه یافته در قالب مدل مفهومی قابل بررسی است. در این مدل مفهومی برای باز تعریف مفهوم محله در بافت‌های جدید شهری مهم ترین ابعاد ۴ بعد، عینی(کالبدی-عملکردی)، ذهنی(ادراکی)، اقتصادی و بعد اجتماعی-نهادی است. همچنین با ارتباط متقابل۷ کد محوری "تنوع و کیفیت خدمات شهری"، "لبه و مرز محله"، "ایمنی و امنیت خاطر"، "معیشت و موقعیت اقتصادی محله"، " منزلت اجتماعی"، "همبستگی اجتماعی" و "حس تعلق و وابستگی به مکان" با سه کد گزینشی "تداوم و پیوستگی کارکردی-فضایی"، "تحرک اقتصادی-اجتماعی" و "انسجام اجتماعی-نهادی، وابستگی مکانی" می‌توان به تعریفی تازه از محله دست یافت، که در انتها این مقاله مدل مفهومی این بازتعریف از مفهوم محله در بافت های جدید شهری ارائه شده است.

کلید واژگان: محله، بافت تازه توسعه یافته، نظریه داده بنیا..

این مقاله از رساله دکتری دانشجو محسن ایلاقی با عنوان "بازتعریف مفهوم محله در بافت های جدید شهری کرمان (مطالعه موردی: محدوده پیرامون خیابان هوشنگ مرادی) استخراج شده است.

۱. نویسنده مسئول: کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، دانشکده هنر و معماری و شهرسازی، گروه شهرسازی

2 NVivo

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

مقدمه

محله به عنوان واحدی اجتماعی و کالبدی-فضایی از جمله اجزای اصلی کالبد شهر در طول تاریخ ایران تلقی می شده است. محله های شهری در بسیاری از موارد متمایز از یکدیگر اما در تعاملی مشترک هسته های سازنده پیکره شهر را تشکیل می دادند. محله یا کوی یک شهرک کوچک در دل شهر بود که برای خود بازارچه ، مدرسه ، مسجد و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشت . شهر معمولا از چند محله تشکیل می‌شد و هر محله گاه برج و بارو و دروازه مخصوص داشت و هر محله نام ویژه خود را داشت. شکل‌گیری بافت محله تحت تاثیر عوامل معین اجتماعی(قومی، مذهبی) عوامل اقتصادی(حرف و مشاغل) و عوامل طبیعی(شکل زمین ، چگونگی توزیع منابع آب و پراکندگی آن)بوده است (شیخی, ۱۳۸۳).

در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند و افراد با علایق مشابه یا سوابق یکسان در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. تقسیم محله ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی یا خاص نگاه شهری و روستایی بود(خیرآبادی, ۱۳۷۶). وحدت درونی محله‌ها کمتر به وحدت در سطح شهر می‌انجامید و اغلب در هنگام دفاع از شهر، نوعی وحدت بین محله‌های شهر ایجاد می‌شد. در شهرهای اسلامی الگوهای ارتباطی معینی وجود داشت که افراد را در جماعت‌های شهری به یکدیگر پیوند می‌دادند. این جماعت‌ها یا انجمن‌های برادری به شکل گروه‌های همسایه و اخوت‌هایی نظیر زوار و فرقه های صوفی و مکاتب فقهی شکل می‌گرفتند . این اخوت ها سبب پیوند شهر با نواحی دور افتاده شده و به پیوند مناطق نیز کمک می کرد (حبیبی, ۱۳۸۳). حتی در دوره صفویه که اکثر مردم ایران به تشیع گرویدند، تقسیم اهالی محله‌های شهری به دو گروه حیدری‌ها و نعمتی‌ها همان نقش تعدد مذهب‌ها را ایفا می‌کرد(سلطانزاده, ۱۳۶۵, ص. ۱۹۷). در شهر سنتی هر محله دارای مرکزی بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان شکل می‌گرفته است. مراکز محله علاوه بر تاکید بر عدالت و برابری در دستیابی به خدمات، سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی می‌شوند. با حضور مردم و ریش سفیدان محل در مرکز محله، چارچوب‌های اخلاقی خاص هر محله شکل می‌گیرد و بر حس جمع گرایی تاکید می‌گردد(خاکساری, ۱۳۸۸). در دوران معاصر، وضعیت محلات شهری به شدت دگرگون شده است. ورود به دنیای مدرن و رواج یافتن اقدامات شهر سازی جدید، سبب شده تا محلات تازه تاسیس شهری، واحدهای خدماتی خود را در لبه ی محله و در کنار خیابان های تازه احداث شده مستقر نمایند و از این پس خدمات بجای درون محله، در حاشیه محله ارائه شوند. اقداماتی چون تخریب محلات کهن شهری به تبعیت از اصول جنبش شهرسازی مدرن انجام شد. بی توجهی به پیشینه و ماهیت محلات سنتی ایران و غلبه عوامل مادی بر عوامل معنوی طراحی و همچنین غلبه ماشین بر انسان در طراحی ها سبب شده تا در فرآیند برنامه ریزی، طراحی و توسعه این شهرها مفهوم محله، خالی از مفاهیم و حتی شروط ابتدایی تشکیل و ایجاد یک محله باشد و تنها در حد یک واحد تقسیمات شهری به کار گرفته شود. آنچه بدیهی است کم رنگ شدن و گاهی از بین رفتن مفهومی به نام محله در بافت های جدید شهری ایران است که هم در بین عامه مردم و هم در طرح های توسعه شهری مفهومی دقیق و کارآمد از پدیده ای به نام محله در بافت جدید شهری موجود نیست. با نگاهی به ویژگی‌های محلات شهر ایرانی- اسلامی در طول تاریخ نزد مردمان و اندیشمندان ایران زمین نظیر

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

همدلی و همبستگی، حس تعلق و وابستگی به مکان و اجتماع انسانی در قالب مفاهیمی همچون همسایگی و هم محله‌ای که کمتر در محلات امروزی مشاهده می‌شود؛ می‌تواند برای بازتعریف مفهوم محله باردیگر به همین مردم و اندیشمندان رجوع کرده و باروش های علمی به مفهومی روزآمد از پدیده محله دست یافت. می توان اینطور جمع بندی کرد که پژوهش حاضر به دنبال بازتعریف مفهوم محله ایرانی در بافت های تازه توسعه یافته شهری از منظر و دیدگاه اندیشمندان شهرسازی به ویژه اندیشمندان شهر کرمان ، با روش داده بنیاد، در پاسخ به عدم کارایی تعاریف موجود در باب محله در توسعه های جدید شهری است.

این مقاله به صورت مشخص به دنبال باز تعریف مفهوم محله در بافت جدید شهری است. از این رو در بررسی پیشینه این تحقیق کلید واژه بازتعریف مورد بررسی و جستجو قرار گرفت. لازم به ذکر است که در منابع و مقالات معتبر مورد بررسی، گاهی واژگان هم راستا با واژه بازتعریف نظیر تحول مفهوم، واکاوی مفهوم و... وجود دارد که در این تحقیق هم معنی با کلید واژه باز تعریف بررسی شده است. کلید واژه باز تعریف برای مفهوم محله در ادبیات نظری این حوزه واژه ای نسبتا جدید است به طوری‌که قدیمی ترین مورد یافت شده مربوط به پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی تحول مفهوم محله در محلات شهری دوران معاصر در ایران" است که در سال ۱۳۸۵ نگاشته شده است. نتایج این پایان نامه بر تحول رفتار اجتماعی افراد و تاثیر آن بر مفهوم محله تاکید دارد. ثقه الاسلامی در سال ۱۳۸۷ در پژوهشی تحت عنوان "تحقیقی پیرامون مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران در ارتقاء کیفی آن بر اساس فرهنگ اسلامی" با بررسی سیر تحول مفهوم محله، تغییر مفهوم محله در دوران معاصر را با تغییر الگو زندگی همسان دانسته و تلاش داشته با فرهنگ اسلامی به بهبود آن اقدام نماید. عبدالهی،صرافی و توکلی در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نظری مفهوم محله و باز تعریف آن با تاکید بر شرایط محله های شهری ایران" در سال ۱۳۸۹ عنوان می دارند که در محلات امروزی اصول رسمی و قرار دادی،محدوده فضایی یکپارچه،وجود مرزهای کالبدی،ادراک ذهنی،حس تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی و خدمات شهری در تعریف مفهوم محله نقش تعیین کننده دارند. ثقه الاسلامی در اثری دیگر با عنوان "بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی" در سال ۱۳۹۰ عنوان می دارد که علیرغم اهمیت جایگاه محله و تاثیر آن در ساختار فضایی و اجتماعی شهرسازی سنتی ایران، در طرح های توسعه شهری معاصر کشورمان از الگوی واحد همسایگی غربی استفاده می‌شود. این در حالی است که مفهوم محله و اصول طراحی محله ایرانی کامل تر و دارای انعطاف‌پذیری بیشتر است نسبت به واحد همسایگی غربی است. پژوهشی دیگر در سال ۱۳۹۰ با عنوان "بازتعریف مفاهیم محله و محله آرمانی از دید ساکنان کلانشهر تهران" توسط ازکیا و محمدی نگاشته شده است که در آن برای باز تعریف یک محله آرمانی سه گونه تفکر در رابطه با وضعیت آرمانی یکی محله وجود دارد اول برگشت به حالت تاریخی مفهوم محله، دوم تصویری از کشورهای اروپایی برای محله و سوم تصویری که مردم از امر سنت دارند. در سال ۱۳۹۲ ارزانی در مقاله ای با عنوان "واکاوی مفهوم محله در ایران و جهان و بازتعریف آن در شهرهای جدید ایران با تاکید بر ابعاد و معیارهای برنامه‌ریزی" باز تعریف مفهوم محله را بر اساس شعاع عملکرد کاربری خدماتی دبستان دانسته بطوریکه اندازه محله بر اساس دورترین دانش آموز تا مدرسه ابتدایی در حدود ۴۰۰-۸۰۰ متر عنوان شده است. در سال ۱۳۹۲ دولت آباد، شماعی و دولت آباد در مقاله تحت عنوان "سنجش میزان هویت محله ای با تاکید بر

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران" در خصوص هویت محله ای نتیجه می گیرند که هویت محله ای در بین شهروندان منطقه هفت تهران وجود داشته و در صورتی که به انتظارات آنان در این خصوص به نحو مطلوب جامعه عمل پوشانده شود، وضعیت مناسبتری بر محله حاکم خواهد شد. در سال ۱۳۹۳ ، موقر،رنجبر و پورجعفر در مقاله با عنوان "بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران نمونه مطالعاتی محله‌های شهر نایین" در ارتباط با بازتعریف مفهوم محله آمده است که شکل‌گیری و تغییرات شهر و محلات آن به صورت مستمر و تدریجی در راستای همسازی مناسب بافت موجود با تغییرات و نیازهای جدید ادامه داشته و در این میان آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی از جمله مذهب نقش تعیین کننده‌ای در نحوه شکل‌گیری محله داشته است. قریشی، ازکیا و مهدوی در سال ۱۳۹۵ در مقاله ای تحت عنوان "بازتعریف جامعه شناختی مفهوم محله از نگاه ساکنان: مطالعه پدیدارشناسی محله کن منطقه ۵ شهر تهران" موضوع بازتعریف مفهوم محله را از دیدگاه جامعه شناختی مورد بررسی قرار داده اند. این مقاله با هدف بررسی این موضوع که در یک پهنه شهری چه عواملی سبب می شود ساکنان آن ادراک زیستن در محله را داشته باشند آغاز شده است. این مقاله با روش پدیدارشناسی توصیفی سه درون مایه اصلی ، هویت بخشی ، سرمایه اجتماعی و امر ذهنی را بدست آورده که ترکیب این سه درون مایه باعث بازتعریف محله در ذهن ساکنان محله کن منطقه ۵ شهرداری تهران می شود. گوهری، ذبیحی و طغیانی در سال ۱۳۹۸ در اثر پژوهشی تحت عنوان "جستاری بر کاربست دیدگاه ساکنان در تدوین مدل محله ماندگار ایرانی روزآمد به روش زمینه ای" نتیجه می گیرد که محله از دیدگاه ساکنان فارغ از مفاهیم وسیع تعریف شده از دیدگاه صلب نخبه گرایانه، بیشتر در پارامترهای غیر کالبدی و ذهنی ساده نمود می یابد. مفاهیمی از قبیل: دسترسی به خدمات و امکانات، همدلی اهالی، امنیت، اصالت، آسایش و رفاه.

در بررسی‌های صورت گرفته در منابع خارجی دانی و هاردر[1] در سال ۱۹۷۳ در مقاله ای تحت عنوان "مفهوم محله در برنامه‌ریزی شهری" عنوان می‌دارند که و فرآیند برنامه‌ریزی شهری در شهرهای انگلیسی نظیر لندن ارتباطی دو سویه با مفهوم محله داشته و شاخص های نظیر تاریخچه و ادراک ساکنان از جمله عوامل تاثیر گذار بر مفهوم فرهنگ شناسایی شده است. در سال ۲۰۰۲ کلیفورد[2] در مقاله ای با عنوان "فراتر از محل و شیوه زندگی:پتانسیل اینترنت برای بازتعریف الگو محله" از اینترت به عنوان یک عامل در باز تعریف و دگرگونی الگوی محله در امریکا یاد کرده و می گوید که استفاده از اینترنت به عنوان یک مدل خاص از زندگی تاثیرگذار بر جنبه‌های محیطی، سبک زندگی، عوامل اقتصادی، آموزشی، اشتغال، تحرک، دینامیک خانواده، مهاجرت و ترجیحات جامعه می‌باشد. دبروهه[3] در سال ۲۰۰۳ در مقاله با عنوان "تحرک محله" با هدف تعریف مفهوم محله به بررسی اثرات محیط‌های مسکونی بر رفتار انسان پرداخته و مباحث جمعیت شناختی، اجتماعی و کالبدی را به این منظور مورد ارزیابی قرار داده است نتیجه این مقاله ارائه مدلی از مفهوم محل در قالب درگیری‌های محله‌ای، مباحث اجتماعی، همکاری و مسایل جسمانی است. گوخان[4] در سال ۲۰۱۰ در مقاله تحت عنوان "مفهوم محله در محیط های معاصر مسکونی: بررسی ادارک و شغل ها" نتیجه می گیرد که عوامل فیزیکی ،

[1] Doney & Heather
[2] clifford
[3] Deborah
[4] Gokhan

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

نارضایتی مردم را از محله تقویت یا تضعیف می‌کند که بر ادراک ساکنین از مفهوم محله تاثیر می‌گذارد. مویی و گرگ[1] در سال ۲۰۱۲ در اثری تحت عنوان " تاثیر تغییر ساختار نژادی محله در افزایش قیمت خانه" علاوه بر بررسی شاخص‌های اقتصادی تاثیرگذار بر سکونت در محله تغییرات نژادی حاصل از ورود سیاه پوستان به یک محله را عامل تغییر مفهوم محله می‌داند. موسسه خدمات عمومی عالی[2] بریتانیا در سال ۲۰۱۷ در اثری پژوهشی تحت عنوان "بازتعریف محله‌ها: آینده ای فراتر از ریاضیات اقتصادی" ضمن انتقاد از تاثیر شدید عوامل اقتصادی بر شکل‌گیری و توسعه محلات جدید شهری بر حدوده و چگونگی کنترل جهار عامل دسترسی و حمل و نقل ، خدمات فرهنگی ، خدمات زیست محیطی و نظارتی، خدمات برنامه ریزی از طرف حکومت های محلی تاکید دارد که بر بازتعریف مفهوم محلات در بریتانیا تاثیر گذار است.

محله از دیدگاه اندیشمندان داخلی و خارجی

اندیشمندان زیادی چه در داخل و چه در خارج از کشور اقدام به تعریف محله نموده‌اند، می‌توان اندیشمندان داخلی در ارتباط با تعریف محله را به دو گروه اصلی تقسیم کرد. گروه اول به مفهوم محله فقط در گذشته توجه کرده اند و تعریف آن‌ها از مفهوم محله همان مفهومی است که در گذشته در شهرها بوده است و به مجموعه‌ای از ویژگی‌های محله در ساختار شهری گذشته اشاره کرده‌اند. گروه دوم سعی کرده اند تا محله را در دوره معاصر تعریف نمایند. این گروه الگوهایی را برای محله ایرانی در شهر نشینی معاصر کشور معرفی کرده اند که معطوف به روند برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌باشد. در ارتباط با تعریف محله تعاریف اندیشمندان خارجی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود، دسته اول کسانی که محله را از دیدگاه کالبدی-فضایی تعریف می‌نمایند در این نگرش با تاکید بر مفاهیم فضایی، محله تشکیل شده از عناصر کالبدی مختلف از جمله واحدهای مسکونی، خدماتی و شبکه ارتباطی است که سکونت و مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط در فضاهای مختلف محله اتفاق می‌افتد. دسته دوم کسانی که محله را به عنوان واحدی اجتماعی و کالبدی-فضایی دانسته که در این نگرش جنبه‌های اجتماعی و کالبدی- فضایی محله توأمان در تعریف محله نقش دارند و محله علاوه بر این‌که قلمرو فضایی و جغرافیایی مشخص است دارای مفهومی اجتماعی نیز می‌باشد. به دلیل تعداد بالای تعاریف مطروحه در ارتباط با محله در این بخش در قالب جدولی به ۱۰ تعریف داخلی و ۱۰ تعریف خارجی از مفهوم محله پرداخته و ویژگی هر یک از تعاریف در جدول(۱) ارائه می‌شود.

1 Moye & Richard
2 Association For Public Service Excellence

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

جدول(۱). دیدگاههای نظری از دیدگاه صاحب نظران

		سال	صاحب نظر	ویژگی
تعاریف اندیشمندان داخلی در ارتباط با تعریف محله	دسته اول نگاه تاریخی به تعریف محله	۱۳۸۷	سید حسین بحرینی	محله قلمرو یک گروه اجتماعی است که شناسایی و تمیز مکانها و سازمان دهی آنها در ساختار ذهنی، نه تنها به افراد اجازه عملکرد موثر را میدهد، بلکه منبع احساس امنیت، دلپذیری، خوشایندی و درک نیز هست
		۱۳۷۱	محمد کریم پیرنیا	محله یا کوی یک شهر کوچک در دل شهر بوده و برای خودش بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشته است
		۱۳۵۵	محمد منصور فلامکی	خود یاری و استقلال سکونتی مشروط و محدود محله ها بر خلاف بازار دارای حجاب سکونتی هستند رفتار اجتماعی ساکنان در محله نسبت به فضای بیرون از آن شکل خاص می-یابد.
		۱۳۶۰	محمود توسلی	جایگاه برقراری ارتباط نزدیک،تقویت همبستگی کاهش تضادهای اجتماعی، سرچشمه پیدایش گروههای اجتماعی محله به عنوان واحد اجتماعی دارابودن محدوده و حریم معین
		۱۳۷۱	جهانشاه پاکزاد	محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقهای خاص است
	دسته دوم نگاه معاصر از گذرگاه برنامه ریزی شهری	۱۳۷۸	سید محسن حبیبی	وجود عنصر شاخص آموزشی دبستان عنصرشاخص فرهنگی و هویتی مسجد شمارجمعیتی ۵۵۰۰ – ۳۵۰۰ نفر شعاع عملکردی ۴۰۰ – ۳۰۰ متر
		۱۳۷۹	اسماعیل شیعه	شمارجمعیتی ۵۰۰۰ نفر شعاع عملکردی ۵۰۰ متر
		۱۳۷۸	احمد سعیدنیا	محله شامل دو واحد همسایگی با جمعیت ۱۲۰۰۰ نفر و وسعت ۱۲۴ هکتار است که در مرکز آن کاربری‌های تجاری، آموزشی و خدماتی قرار گرفته است
		۱۳۹۱	وزین	وسعت محله ۸۰ – ۴۰ هکتار شمارجمعیتی ۲۰۰۰۰ – ۶۰۰۰ نفر شعاع عملکردی ۱۰۰۰ – ۷۵۰ متر
		۱۳۸۰	زنده دل و همکاران	وسعت محله ۷۵ – ۵۰ هکتار شمارجمعیتی ۷۰۰۰ نفر شعاع عملکردی ۴۵۰ متر
تعاریف اندیشمندان خارجی در ارتباط با تعریف محله	دسته اول نگاه کالبدی-فضایی به محله	۱۹۲۰	کلارنس اشتاین پری	دسترسی آسان به خدمات عمومی مورد نیاز خانواده ها(مدرسه، مغازه های خرده فروشی، امکانات تفریحی) فضاهای پیاده محور دارا بودن مرز معین هر مکان مرز و قلمروی دارد که سبب محصوریت میشود و مرکزیت درآن پدید می آید با کمک این معیار ها مکان کاراکتر می یابد.
		۱۸۹۸	ابنزر هاوارد	وجود فضای سبز کافی تعیین مرزهای محله امکان دسترسی پیاده به خدمات روز مره استفاده کمتر از وسایل نقلیه موتوری
		۱۹۵۰	لوکور بوزیه	وسیله رفاهی ارتقاء شرایط زندگی ساکنان

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

		۱۹۹۷	لویس مامفورد	استقلال و خودکفایی کامل محله جوابگوی نیازمندیهای روزمره ساکنان ارتقاء شرایط زندگی ساکنان
		۲۰۰۸	سویل اسمیت	محلات گره های فضایی هستند که خانوارها و مساکن آنها در آن خوشه بندی می شود. آن‌ها به منظور تامین کردن عملکرد مسکونی و حتی غیر مسکونی در محیطی ساخته می شوند که امکان اتصال و استفاده مشترک از زیرساخت ها و خدمات در میان همسایگان و خانه های آنها را فراهم می آورد
	دسته دوم نگاه اجتماعی و کالبدی-فضایی به محله	۱۹۶۱	جین جیکوبز	هر چه محلات شهری متنوعتر باشد، از جذابیت بیشتری نیز برخوردار است. وجود کاربری های متنوع ساختمانهای موجود باید به لحاظ قدمت و سایر شرایط متنوع باشند. د. محلات شهری باید تراکم مناسبی از سکنه شهر را در خود جای دهند، به عبارتی جمعیت بسیار پایین یا بالا در سطح محلات شهری مطلوب نیست. ه. بلوکهای مسکونی در محلات میبایست کوچک در نظر گرفته شوند، بلوکهای بزرگ فاقد تنوع و جذّابیت لازم هستند.
		۲۰۰۳	بارتون	محله بخشی از سازمان فضایی شهر است که تعاملات اجتماعی افراد در آن به صورت چهره به چهره رخ می دهد.
		۲۰۰۷	جسیکا گئو	دفاع از محله هویت مشترک محله به عنوان جامعه ای با اتکای محدود
		۲۰۱۰	آدام کای برد و همکاران	نزدیکی اجتماعی سطح تعاملات میان ساکنان همگنی اجتماعی
		۲۰۱۵	کلودیا کولتن	محله ساختاری اجتماعی است. افراد در محلات پایگاه اجتماعی داشته و وقتی که در محیط محله حرکت می کنند ، فضای فعالیت خودشان را شکل داده و مشخص می کنند

ماخذ: نگارنده،۱۳۹۸

محله در علوم مختلف

بررسی اولیه تعاریف ارائه شده درباره این مفهوم، نشان از برخی تفاوت‌های آشکار در این‌که «محله به طور مطلق چیست» دارد. لذا برداشت ها و نگرش هایی که ناظر به مفهوم محله است بر روند، فرایند سرشت و سرنوشت شکل گیری و شکل دهی به محله در جامعه تأثیر بسزایی دارند. در ادامه به توصیف این مفهوم در حوزه های علمی مختلف پرداخته می شود.

- **محله از دیدگاه جامعه شناسی شهری**

از لحاظ جامعه شناسی شهری، محله های شهری به مفهوم «واحدهای اجتماعی» حقیقی هستند که تاحدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان توانسته اند شکل و قالب ثابت و پایداری به خود بگیرند و حریم معینی برای خود تعریف کنند. در حقیقت این محله‌ها از مجموعه افرادی با ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و به خصوص اقتصادی مشابه تشکیل می‌شود که به واسطه نوعی همبستگی و روابط متقابل جمعی به وجود می آیند(کوآن[1]،۲۰۱۷).

[1] S.J.Quan

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

- **محله از دیدگاه علوم اجتماعی**

از نظر دسته ای از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، محله به (الف) حوزه کوچک مسکونی؛ (ب) ساکنان چنین حوزه‌ای؛ (ج) روابطی که میان ساکنان وجود دارد یا واقعیت و کیفیت نزدیکی آنان با یکدیگر، دلالت دارد. کاربرد علمی این اصطلاح در حوزه علوم اجتماعی تا حد زیادی متأثر از نظریات چارلز هورتون کولی بود که بر روابط گروه اختیاری نخستین و حضورشان در محله تأکید می‌کرد(حکومت شهری شانگهای[1]،۲۰۱۸).

کولی در تعریف محله بر اهمیت نقش «گروه‌های اولیه» تأکید ورزید. این گروه‌ها شامل خانواده و گروه‌های بازی کودکان در محله بود. او هشدار می دهد که «صمیمیت در محله‌ها به وسیله رشد شبکه پیچیده‌ای از تماس‌ها و روش‌های جدید ارتباطی از بین رفته است. در شهرهای امروزی شیوه زندگی آپارتمان نشینی و پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی به شدت کانون‌های خانوادگی و محله‌ای را دچار آسیب کرده است (کوان[2]،۲۰۱۶). مردم به شیوه‌های گوناگونی محلات شهری را تجربه می‌کنند، که بسیاری از این روش‌ها شامل حضور و تعامل با دیگر ساکنان "نزدیکی اجتماعی" می‌باشد. برخی از تحلیلگران این حوزه مدل‌های کیفی اجتماعی استفاده می‌کنند که از سطح تعاملات میان ساکنان برای تشخیص "محلات شهری" خوب یا بد، از "مناطق مسکونی" عمومی بهره می برد، که در این مناطق به تعداد کم یا هیچ الگویی از روابط اجتماعی وجود ندارد. الگوها و ارتباطات اجتماعی ناشی از رفتار ساکنین مانند مراقبت متقابل از کودکان یکدیگر، گروه‌های اجتماعی با رفتار خشن، مصرف نوشیدنی با هم در میخانه‌های محلی، اجتناب از نظارت دیگران بر خیابان یا پیوستن به یک انجمن محلی، همه این الگوها و ارتباطات اجتماعی شکل دهنده و شکل گرفته از شخصیت محله هستند. همگنی اجتماعی به عنوان یک فیلتر برای تعریف اداری-جغرافیایی و برای این ارتباطات متنوع و متناقض عمل می‌کند. هرچند که همگنی اجتماعی با این هدف مرتبط است اما به وضوح برای این وظیفه ناکافی است. و از طرفی افزایش سرعت و تنوع اجتماعی در بسیاری از محله‌ها، چالش های جدیدی را به وجود می آورد(بنیاد جوان[3]،۲۰۱۰: ۱۳).

- **محله از دیدگاه جغرافیای شهری**

در تعبیر جغرافیایی، مفهوم محله ضمن دارا بودن مکان معین، به اجتماعی اطلاق می‌شود که در چنین فضایی سکونت دارند و از برخوردهای فراوان «نخستین» یا «رویارویی» با یکدیگر بهره مند می‌شوند. «ماهیت محله از دیدگاه جغرافیدان شهری و اجتماعی فرصتی برای مردم فراهم می‌آورد تا با یکدیگر دیدار کنند، در گذران زندگی روزمره شرکت جویند و در تلاش به منظور غلبه بر مشکلات شان به همکاری بپردازند» به همین دلیل پاور نیز مدعی است که «محله و حس همسایگی از تأثیر موقعیت مکانی بر جامعه ناشی می‌شود، اما به صورت خود به خودی روی نمی‌دهد». افراد ممکن است با حس بدون همسایه بودن از لحاظ اجتماعی مواجه شوند و آن را لمس کنند، در حالی که از نظر فیزیکی و موقعیت مکانی با یکدیگر همسایه باشند. همسایگی و هم محله بودن متضمن چیزی فراتر از برخورد صرف و یا منافع مشترک است(کوآن[4]،۲۰۱۹)..

[1] Shanghai City Government
[2] Cowan
[3] The Young Foundation
[4] Quan

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

- **محله از دیدگاه برنامه‌ریزی و طراحی شهری**

در این تعریف محله بخش‌های انتخابی یا بخش‌های تاریخی و واحدهای استاندارد برنامه ریزی-اداری هستند که همواره نگاه از بالا به پایین در تعیین و ترکیب آن‌ها وجود دارد. در ادامه به تعریف اجرایی محله(شاخص تعریف محله) در نظام برنامه‌ریزی اسکاتلند توجه کنید:

- جمعیت تقریبا مساوی
- مساحت تقریبا مساوی
- شکل یکسان
- همگنی اجتماعی
- مطابقت با مرزهای موجود ، مرزهایی نظیر بخش‌های انتخاباتی، مناطق حومه مدرسه، مرزهای شوراهای محله
- مطابق با ویزگی های محیط محلی، شامل رودخانه‌ها، مناطق تپه‌ای، راه آهن و جاده های اصلی
- پذیرش عمومی

تعریف اجرایی محله در نظام برنامه‌ریزی اسکاتلند(در بالا) مثال خوبی از رویکرد اداری-جغرافیایی در تعریف محلات شهری است. این تعریف بر اساس مناطق اجتماعی همگن، اندازه های مشابه با مرزهای ثابت، بر اساس مطابقت ممکن با مرزهای فیزیکی و اداری موجود است. در این تعریف معیار "پذیرش عمومی" به عنوان یک شاخصه پسین به آن اضافه شده است. در برخی از این محدوده‌ها، احساس محله ممکن است کاملا وجود نداشته باشد و ممکن است هیچ معنی به عنوان محله از این مناطق برداشت نشود(بنیاد جوان[1]،۲۰۱۰: ۱۱).

در ادامه بر اساس مطالعات محقق و دیدگاه صاحبنظران مقایسه بین مفهوم محله در گذشته و اکنون در ایران در جدول(۲) صورت گرفته است.

جدول(۲). مقایسه ویژگی محلات در گذشته و اکنون

ویژگی‌های محله در گذشته	ویژگی‌های محلات امروزی
دارای شخصیت منحصر به فرد	عدم شخصیت ویژه
اشتراکات اجتماعی منجر به شکل گیری مفهوم محله	اشتراکات اقتصادی منجر به شکل گیری مفهوم محله
مفهوم محله عینی است	مفهوم محله ذهنی است
مذهب و جهان بینی منجر به هویت ویژه	عملکرد و کالبد منجر به هویت ویژه
خاطرات جمعی منجر گرهمایی ساکنین می شود	عدم شناخت و پیوند ساکنین در محلات جدید
دلبستگی به مکان	عدم حس تعلق و دلبستگی به مکان
مفاهیم ذهنی و آیینی منجر به تعیین مرز محدوده	فعالیت ها و رفتار انسانی جهت تعیین مرز محدوده
همبستگی اجتماعی- فرهنگی	عدم تعلق مکانی و انسجام اجتماعی
انسجام کالبدی و ارتباط با عنصر بازار	از هم گسیختگی کالبدی و عدم ارتباط با سطوح بالاتر
پایا و ماندگار در طول زمان	عدم ماندگاری در طول زمان
همگنی اجتماعی ساگنین	همگنی اقتصادی ساکنین
محلات قدیم بیشتر شاهد تشابهات بودیم	محلات جدید شاهد تعارضات هستیم

ماخذ:نگارنده ۱۳۹۸

[1] The Young Foundation

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر از نوع کیفی است که با روش گراندد تئوری[1] انجام شده است. پژوهش کیفی فرآیند پیچیده‌ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتا طولانی بوده و داده‌ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می‌شوند(دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴).

روش گراندد تئوری یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده ها، نظریه ای تکوین می یابد. روش نظریه داده بنیاد معمولا به سه شیوه اجرا می شود: شیوه سیستماتیک، شیوه نوخاسته و شیوه سازاگرا. در این تحقیق از روش سیستماتیک که به استراوس و کوربین[2] نسبت داده می شود برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است(استراوس و کوربین،۲۰۱۷)

جامعه آماری این پژوهش شامل افراد متخصص و صاحبنظر و اساتید دانشگاه در رشته شهرسازی و جامعه شناسی می باشد. روش جمع آوری اطلاعات مطالعه اسنادی، دیدگاه‌ها، تعاریف و مصاحبه عمیق و باز است. در این مطالعه با ۲۲ نفر مصاحبه انجام شد که از مصاحبه پانزده به بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید و از مصاحبه هفده به بعد داده ها کاملا تکراری و به اشباع نظری رسیده بود؛ اما برای اطمینان تا مصاحبه ۲۲ ادامه یافت. مصاحبه های عمیق با طرح سؤالاتی در مورد ویژگی‌های ایجاد محله ایرانی صورت گرفت. جهت تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری و بررسی میزان فراوانی کدهای مستخرج از پرسشنامه از نرم افزار انویوو[3] استفاده شد. در انتها مدل نظری معیارهای بازتعریف محله در بافت‌های تازه توسعه یافته شهری ارائه خواهد شد شکل(۱). پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوال زیر می باشد:

- ابعاد و معیارهای بازتعریف مفهوم محله در بافت‌های تازه توسعه یافته شهری چیست؟

[1] Grounded theory
[2] Strauss & Corbin
[3] NVivo

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

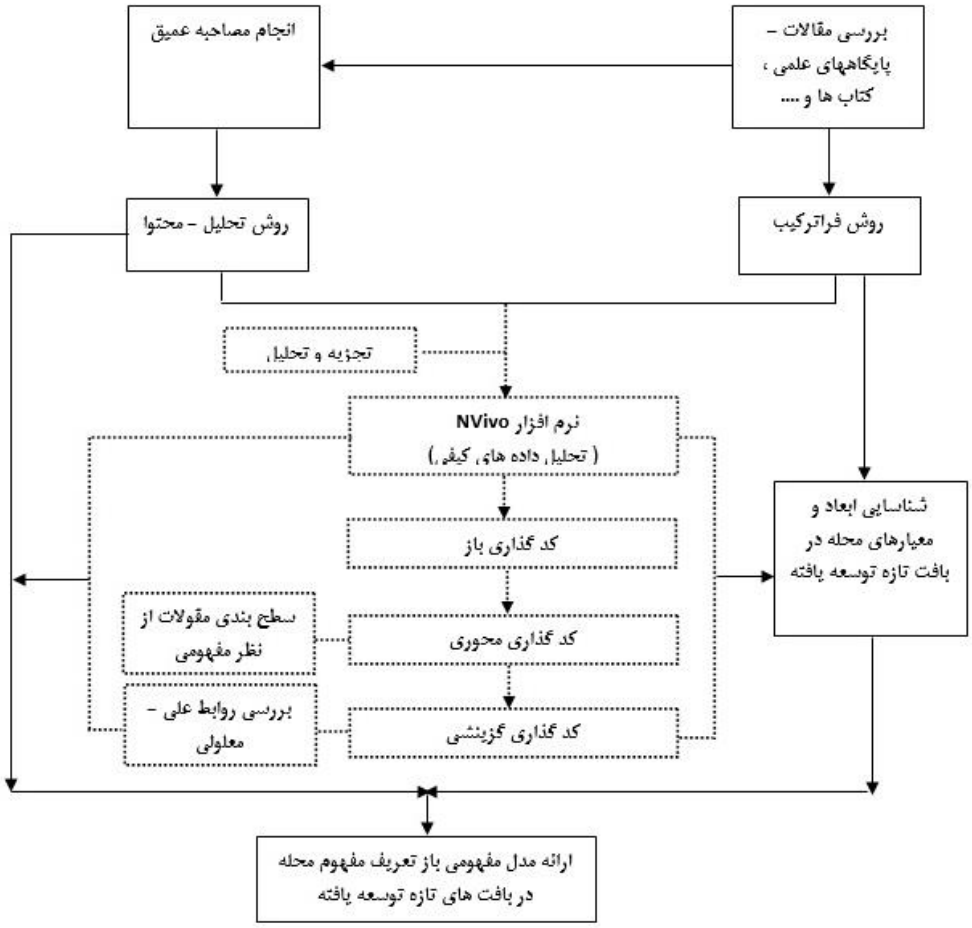

شکل(۱). فرآیند انجام پژوهش

نتایج

همان‌طور که توضیح داده شد جهت جمع آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه و مطالعات اسنادی استفاده گردید و از شیوه داده بنیاد(گراندد تئوری) جهت ارائه مدل مفهومی استفاد شد. در روش گراندد داده‌ها به شیوه سیستماتیک کدگذاری می‌شوند. مراحل کد گذاری در گراندد تئوری شامل:

۱- گام اول: کدگذاری باز

۲- گام دوم: کدگذاری محوری

۳- گام سوم: کدگذاری انتخابی(سلدانا[1]،۲۰۰۹).

[1] Saldana

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

گام اول: کدگذاری باز

این مرحله از روش نظریه داده بنیاد بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می شود. به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب های مناسب برای آنها و ترکیب مفاهیم مرتبط می کند. مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

۱. تحلیل و کدگذاری: در این مرحله پژوهشگر باید به کدگذاری همه رویدادها توجه کند. ممکن است از درون یک مصاحبه با متن کدهای زیادی استخراج شود؛ ولی وقتی داده ها به طور مرتب مورد بازنگری قرار می‌گیرد کدهای جدید احصاء و کدهای نهایی مشخص می شوند.

۲. کشف طبقه ها: در این مرحله خود مفاهیم براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه بندی می شوند که به این کار طبقه‌سازی(تم سازی) گفته می‌شود. عناوینی که به طبقه‌ها اختصاص می‌دهیم؛ انتزاعی‌تر از مفاهیمی است که مجموعه آن طبقه را تشکیل می‌دهند. طبقه ها دارای قدرت مفهومی بالایی هستند؛ زیرا می‌توانند مفاهیم را بر محور خود جمع کنند. عنوان های انتخابی به طور عمده توسط خود پژوهشگر انتخاب شده اند و سعی بر این بوده تا بیشترین ارتباط و هم خوانی را با داده هایی که نمایانگر آن است داشته باشند. منشأ مهم دیگر عنوان‌ها) عبارتی است که مشارکت کنندگان در پژوهش به کار می‌برند و می‌تواند برای پژوهشگر کاربرد داشته باشد.

۳. توصیف طبقه‌ها با توجه به خصوصیات آن‌ها: به منظور روشن‌تر کردن طبقه‌ها، در گام بعدی خصوصیات آن-ها بیان می‌شود.

۴. جدول کدگذاری باز: که شامل دو قسمت است، جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها (اوربک و سیلورستین[1]،۲۰۱۷)..

گام دوم: کدگذاری محوری

مرحله دوم کدگذاری که به آن کدگذاری محوری گفته می‌شود، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه ها را با آن مشخص می‌کند(استراوس و کوربین[2]،۲۰۱۷: ۱۵۶)

گام سوم: کدگذاری انتخابی (گزینشی)

روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. این روند شامل چند گام می باشد: اولین قدم متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم، ربط دادن مقولات تکمیلی بر حول مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم (که در کدگذاری محوری توصیف شده است) است. گام سوم، مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم، به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده ها است. آخرین قدم، تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۹ ۱۱۲).

[1] Auerback & Silverstein
[2] Straus & Corbin

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

تحلیل داده‌های کیفی

جامعه آماری در پژوهش حاضر ۲۲ نفر اساتید و صاحبنظر در امر شهرسازی و جامعه شناسی می‌باشند. بر این اساس مصاحبه با ۲۲ نفر انجام گردید که در فرایند تحقیق، ۱۲۴ کد استخراج گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله، ۲۷ کد باز ، ۷ کد محوری و ۳ کد گزینشی شناسایی شد.

کد گذاری داده های حاصل از مصاحبه در نرم افزار انویوو[1]

- کدگذاری باز داده های حاصل از مصاحبه

به طور کلی، در کدگذاری باز قصد آن بود تا داده ها و پدیده ها در قالب مفاهیم در آید. پس از نام گذاری، باید ابعاد مفاهیم را شناسایی کرد. هر مقوله دارای ویژگی های عام است که دانستن آن اهمیت دارد و محدوده کامل ابعاد یک مقوله را نشان می دهد. برای مثال، معیار «معیشت و موقعیت اقتصادی محله» شامل شش زیر درون مایه ارزش افزوده ، قیمت زمین و مسکن، سرقفلی و اجاره بها، توان مالی ساکنان و عدالت اجتماعی می باشد. برای نمایش روابط موجود میان مقولات، نرم افزار انویوو از الگوریتم های خوشه بندی گوناگونی برای گروه بندی سلول های مشابه استفاده و آن را استاندارد و ترکیب می‌کند. از آنجا که در پژوهش حاضر به صورت ترکیبی از روش های " فراترکیب" و " تحلیل محتوا" استفاده شده است، لذا ابتدا ابعاد سازنده محله در بافت توسعه یافته به روش فرا ترکیب استخراج شد که شامل ۴ بعد عینی (مالبدی-عملکردی)، اقتصادی، اجتماعی-نهادی و ذهنی(ادراکی) می‌باشد. در ادامه به کمک روش تحلیل محتوا کدهای باز در راستای معیار های ذکر شده به کمک نرم افزار انویوو استخراج گردید. جدول(۳) معیار ها و کدهای باز مربوط به هر معیار با توجه به تعداد فراوانی ارجاعات را نشان می دهد.

[1] NVivo

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

جدول(۳). ابعاد و کدهای باز مربوط به هر بعد با توجه به تعداد فراوانی ارجاعات

ابعاد	کد گذاری باز	تعداد ارجاعات
عینی (کالبدی-عملکردی)	امکانات رفاهی و زیرساخت های شهری	۱۹
	تنوع عناصر بصری	۱۳
	حد و مرز و قلمرو محله	۱۸
	تراکم در واحد سطح	۱۷
	سهولت دسترسی	۱۸
	استحکام و پایداری کالبدی	۱۵
اقتصادی	ارزش افزوده	۲۲
	قیمت زمین و مسکن	۱۹
	سرقفلی و اجاره بها	۱۱
اجتماعی-نهادی	توان مالی ساکنان	۱۳
	عدالت اجتماعی	۱۱
	شان اجتماعی	۱۹
	کیفیت زندگی	۱۳
	سبک زندگی	۱۵
	تعاملات اجتماعی	۱۸
	امنیت	۱۹
	اشتراکات اجتماعی	۱۰
	روابط همسایگی و حس صمیمیت	۱۳
	مدیریت شهری	۱۰
ذهنی (ادراکی)	پویایی و سرزندگی	۱۹
	جذابیت	۱۶
	حس خاطرات جمعی	۱۲
	هویت فرهنگی	۱۳
	ارزش های اجتماعی	۲۰
	معنا	۱۴
	پیشینه تاریخی	۱۰
	خوانایی	۱۰

- کد گذاری محوری داده های حاصل از مصاحبه

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کار بر اساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند نظریه را به سهولت انجام دهد. اساس فرآیند ارتباط دهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه ها قرار دارد. بنابراین در گام دوم این پژوهش بر اساس داده های به دست آمده از مطالعه اسناد بالادستی و مصاحبه های عمیق و مقوله بندی آنها، ۳ معیار به دست آمده است.

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

- کد گذاری انتخابی (گزینشی) داده های حاصل از مصاحبه

همان‌گونه که گفته شد، هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد(دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). کدگذاری گزینشی نقطه شروعی برای تحلیل است. توصیفی کافی از معیار های سازنده مفهوم محله می‌باشد و ارزیابی مجدد محورها این سؤال را خلق می‌کند که چه معیار هایی منجر به ایجاد محله در بافت های تازه توسعه یافته می‌شود؟ و در نهایت، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی کدام هستند. جدول(۴) کد گذاری محوری و گزینشی حاصل از یافته های پژوهش را نشان می دهدو در ادامه اشکال(۲ تا ۵) نیز به ترتیب روابط بین کدهای محوری و کد گزینشی منتخب را نشان می‌دهد.

جدول(۴). کد گذاری محوری و گزینشی حاصل از یافته های پژوهش

ابعاد	عناصر سازنده کدهای محوری (کدهای باز)	کد گذاری محوری	کد گذاری گزینشی
عینی (کالبدی-عملکردی)	امکانات رفاهی و زیرساخت های شهری	تنوع و کیفیت خدمات شهری	تداوم و پیوستگی کارکردی-فضایی
	تنوع عناصر بصری		
	حد و مرز و قلمرو محله	لبه و مرز محله	
	تراکم در واحد سطح		
	سهولت دسترسی		
	استحکام و پایداری کالبدی	ایمنی و امنیت خاطر	
اقتصادی	ارزش افزوده	معیشت و موقعیت اقتصادی محله	تحرک اقتصادی-اجتماعی
	قیمت زمین و مسکن		
	سرقفلی و اجاره بها		
اجتماعی -نهادی	توان مالی ساکنان		
	عدالت اجتماعی		
	شان اجتماعی	منزلت اجتماعی	
	کیفیت زندگی		
	سبک زندگی		
	تعاملات اجتماعی	همبستگی اجتماعی	انسجام اجتماعی و نهادی و وابستگی مکانی
	امنیت		
	اشتراکات اجتماعی		
	روابط همسایگی و حس صمیمیت		
	مدیریت شهری		
ذهنی (ادراکی)	پویایی و سرزندگی	حس تعلق و وابستگی به مکان	
	جذابیت		
	حس خاطرات جمعی		
	هویت فرهنگی		

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

	ارزش های اجتماعی		
	معنا		
	پیشینه تاریخی		
	خوانایی		

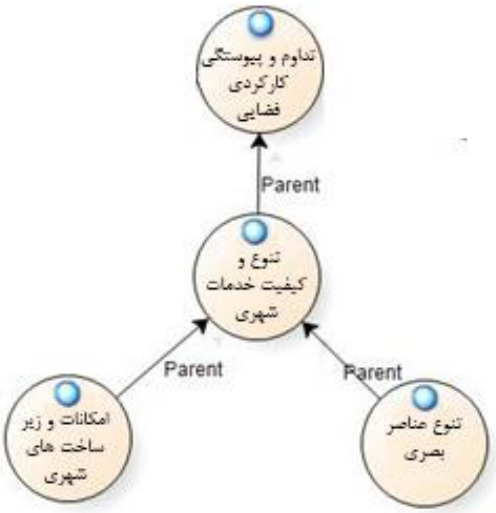

شکل(۲). درون مایه ها و زیر درون مایه های معیار محوری تنوع و کیفیت خدمات شهری

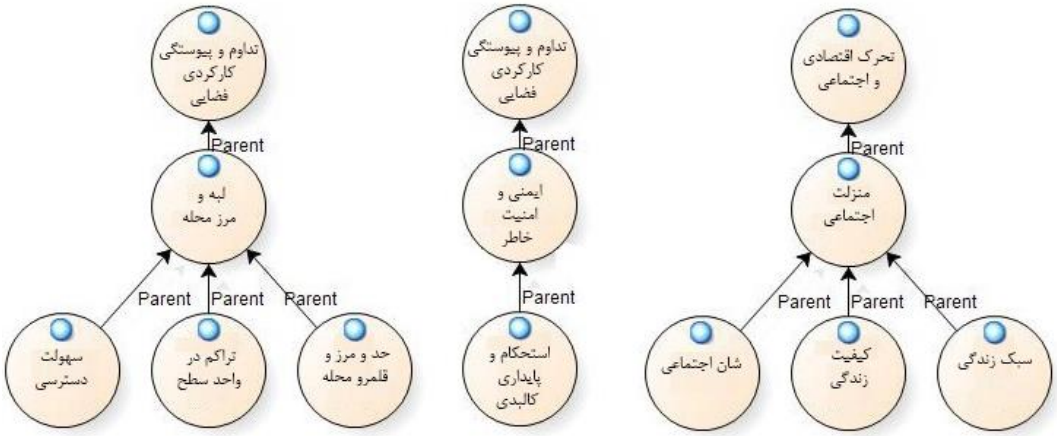

شکل(۳). درون مایه ها و زیر درون مایه های معیارهای محوری ایمنی و امنیت خاطر ، منزلت اجتماعی ، لبه و مرز محله

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

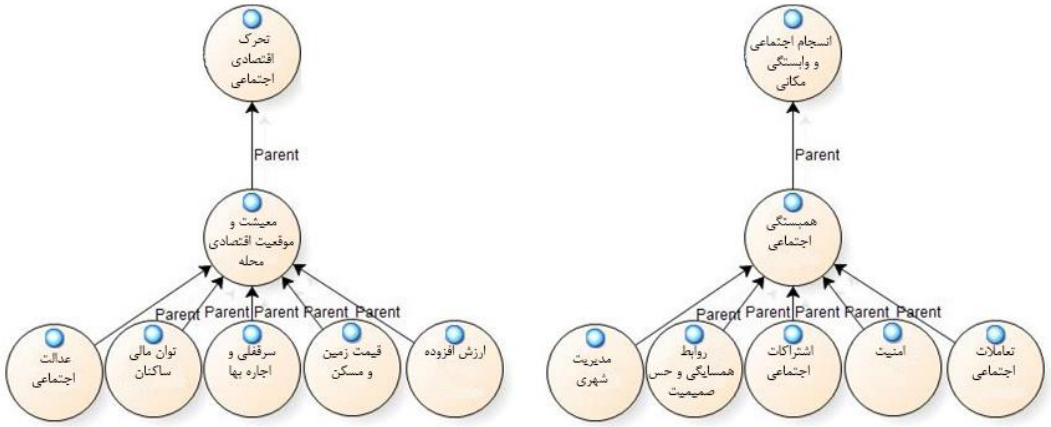

شکل(۴). درون مایه ها و زیر درون مایه های معیارهای محوری همبستگی اجتماعی ، معیشت و موقعیت اقتصادی محله

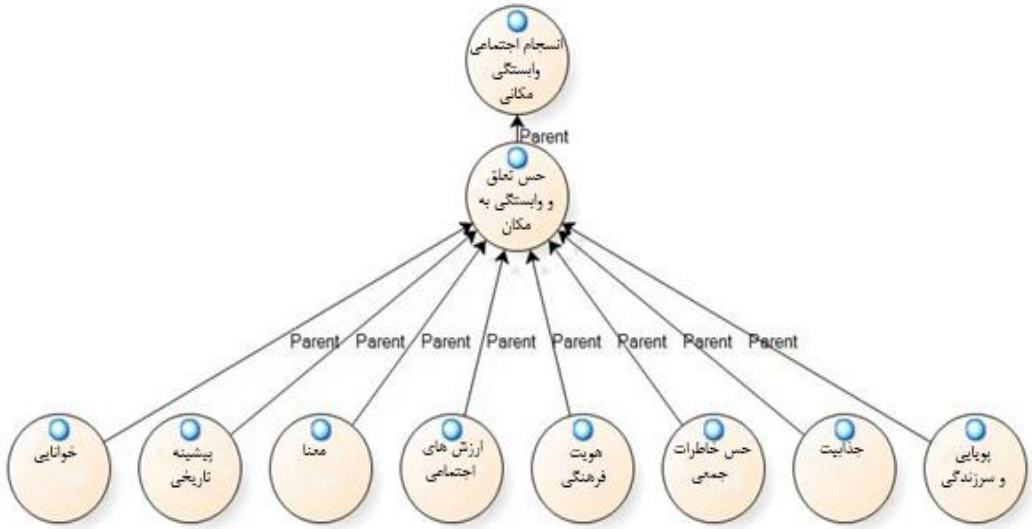

شکل(۵). درون مایه ها و زیر درون مایه های معیار محوری حس تعلق و وابستگی به مکان

بحث

در این مقاله با روش داده بنیاد سعی بر بررسی ابعاد و معیارهای باز تعریف مفهوم محله در بافت‌های جدید شهری ، شده است. با بررسی تعاریف مطروحه در زمینه محله و نگاه بر آن از حیث تفکیک ابعاد تاثیرگذار بر مفهوم محله در این بافت‌ها ۴ بعد اصلی در ارتباط با مفهوم محله شناسایی شد که به قرار زیر است، بعد عینی (کالبدی-عملکردی): مفهوم کالبدی- فضایی محله به صورت مجموعه ای از عوامل کالبدی از قبیل ویژگی‌های بافت، مرکز محله، مرزهای محله و شناسه های مهم محله خود را نشان میدهد. همچنین جنبه عملکردی محله با وجود کاربری های خدماتی مقیاس محله و یا وجود یک کاربری خدماتی شاخص (مانند کاربری آموزشی، مذهبی) و شعاع عملکرد آن تعریف می شود. (ثقه الاسلامی،۱۳۹۶: ۱۹۹-۲۰۲). از آنجا که تعاریف اکادمیک در

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

ارتباط با محله از تعاریف کالبدی و عملکردی شروع شده و به تعاریف اجتماعی می رسد ، تمامی نظریه پردازان داخلی و خارجی در تعاریف خود به شرح و واکاوی این بعد از محله پرداخته اند.

بعد اقتصادی: محلات شهری واحدهای مهم مصرف و تولید هستند و می‌توان آن‌ها را مانند شرکت ها با هزینه-های معامله توضیح و تشریح نمود. به طوری‌که می‌توان نظریه محله را بر اساس هزینه‌های معامله، ارزش قطعات زمین و مالکیت و ایده‌های نوین اقتصادی مرتبط توسعه داد (وبستر[1]،۲۰۰۳: ۲۶۱۶). مرکز محله، محل قرارگیری تاسیسات اقتصادی و عناصر خدماتی است(سلطان‌زاده،۱۳۶۸، توسلی،۱۳۶۰، فلامکی، ۱۳۵۵، سعیدنیا،۱۳۷۸)

همچنین در آرائ شاسکین در ارتباط با محله به عنوان شبکه‌ای از ارتباطات داریم: محله شبکه‌ای از همسایگان و رفتار همسایگی که ممکن است بر اساس وضعیت اقتصادی افراد متفاوت باشد(شاسکین[2]،۱۹۹۷: ۵۳۷). لذا بعد اقتصادی در محله در میان ابعاد مورد بررسی قرار گرفت. بعد اجتماعی-نهادی: مفهوم اجتماعی محله به صورت ارتباطات و تعاملات اجتماعی ساکنین در قلمرو محله به عنوان یک مکان مشخص شکل می‌گیرد(ثقه الاسلامی،۱۳۹۶: ۱۹۹-۲۰۲). نگرش اجتماعی به مفهوم محله به صورت قوی در تاریخ شهرنشینی ایران وجود داشته است؛ در شهرهای تاریخی ایران تعریف اجتماعی محله اساس تعریف محلات بود و این مفهوم با فضای کالبدی و مکانی خاص محله پیوند خورده بود (اشرف، ۱۳۵۳؛ سلطان زاده، ۱۳۶۷؛ توسلی، ۱۳۷۶). برخی از اندیشمندان غربی نیز به مفهوم اجتماعی محلات در نظام شهرنشینی در غرب توجه نشان داده اند(بارتون[3]،۲۰۰۳ ، کولتن[4]،۲۰۱۵ ، گائو[5]،۲۰۰۷).

بعد ذهنی (ادراکی): این بعد، مفهوم محله بر اساس ادراک و ذهنیت مردم استوار است و نگاهی از پایین به بالا در تعریف محله شهری دارد(ثقه الاسلامی،۱۳۹۱: ۳۱). ادراک فرآیندی ذهنی است که با مواجه به مفاهیم اجتماعی و کالبدی-عملکردی ایجاد می شود. هر چه این مفاهیم در محلهای قوی تر و توام با یکدیگر باشند، ادراک ساکنین نیز از محله شان قوی‌تر است و هر چه این مفاهیم در محل‌های ضعیف‌تر باشند ادراک ساکنین نیز از محله شان ضعیف تر است(ثقه الاسلامی،۱۳۹۶: ۱۹۹)

بعد از تشریح ابعاد باز تعریف محله در میان مبانی نظری مورد بررسی در این بخش به بررسی معیارهای باز تعریف محله پرداخته می‌شود. معیارهای باز تعریف محله را می‌توان در دو دسته معیارهای محوری و معیارهای گزینشی مورد بررسی قرار داد. در ابتدا به بررسی معیارهای محوری پرداخته می‌شود. معیار محوری تنوع و کیفیت خدمات شهری: در تعریف محله عوامل دیگری بیش از واحدهای مسکونی تمیز و خوب لازم است داشتن مدرسه و خدمات شهری معیاری برای سنجش مطلوبیت یک محله یا مجموعه‌ی همسایگی است(جیکوبز[6]،۱۹۶۳). همچنین پاکزاد یادآور می‌شود که اگر محله دارای تنوع کافی در عرضه‌ی واحدهای مسکونی مختلف باشد، اسباب کشی ها فقط در درون محله خواهد بود(پاکزاد،۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۴۰)

1 Webster
2 Chaskin
3 Barton
4 Coulton
5 Guo
6 Jacobs

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

معیار محوری لبه و مرز محله: لبه ها، عناصر خطی هستند که به عنوان خطوط تقسیم کننده بین بخش‌های مختلف محیط می‌باشند. این عناصر منابع افقی هستند و می‌توانند موانعی باشند که کم و بیش نفوذ پذیر باشند. این موانع می‌تواند خطوط علامت‌گذاری یا وقفه‌های خطی در فرم‌های متداوم بین دو ناحیه باشند. این عناصر می تواند یک ساحل ، دیوار ، پرچین یا مرزهای قانونی باشند. لبه ها برای مرتب کردن عناصر در مرزها برای مردم مهم هستند(لینچ، ۹۱ : ۱۳۷۴).

معیار محوری ایمنی و امنیت خاطر: این معیار در ارتباط متقابلی با ادراک ایمنی یا خطر و مکان آنها ، و فرصت های عملکردی که توسط قسمت های مختلف محله ارائه می شود. تمام این عوامل شکل دهنده تفسیر افراد از فضا و توصیف مرزهای آن است که به کالبد محله نظم داده و کنش با آن را هدایت می کند(شاسکین[1]،۱۹۹۷: ۵۳۵).

معیار محوری معیشت و موقعیت اقتصادی محله: معیشت و اقتصادی معیاری است که از دیرباز در محلات شهری ایران نقش حیاتی ایفا می‌کرده است به طوری‌که محله تحت شرایط اقتصادی، اجتماعی زمان خود کار کردی مناسب به عنوان سکونتگاه در قالب سلول‌های شهری ارائه می‌داده است(پاکزاد، ۱۳۷۱، ۱۹). معیشت و اقتصاد و یکی از اصلی‌ترین نمودهای آن "بازار" از جمله واحدهای اصلی روابط اجتماعی در محله بوده است(اشرف،۱۳۵۳، فلامکی،۱۳۵۵، توسلی،۱۳۶۰، پیرنیا،۱۳۸۱)

معیار محوری منزلت اجتماعی: منزلت اجتماعی شاخص دیگری است که هم در گذشته و هم در حال حاضر از اهمیت برخوردار بوده است در گذشته ابعاد فضاهای محلی متناسب با جایگاه اجتماعی، کارکرد و منزلت اجتماعی استفاده کنندگان از آن‌ها بوده است. چنین است که مساجدی که در کنار گذرهای فرعی برای اقامه نماز توسط افراد نیکوکار احداث شده‌اند، اغلب دارای ابعادی کوچک هستند، در حالی که مساجدی که کارکردی شهری دارند یا توسط حکام و افراد ثروتمند احداث و تکمیل شده‌اند، ابعادشان بزرگ و متناسب با کارکردشان یا توان اقتصادی بانی آن‌ها بوده است(موقر،رنجبر،پورجعفر،۱۳۹۴) در حال حاضر منزلت اجتماعی در گرو تعلق به میزان درآمد، سطح سواد و قشر اجتماعی است.

معیار محوری همبستگی اجتماعی: همبستگی اجتماعی در گذشته به صورت همبستگی‌های قومی و نژادی در محلات شهری وجود داشته اما از آنجا که امروزه همبستگی قومی تاثیر خود را در جانمایی سکونتی افراد تا حد زیادی از دست داده، ابعاد و حوزه نفوذ محله نیز در نظر افراد بر حسب نوع فعالیت و نیاز شخص متفاوت است(پاکزاد، ۱۳۷۱، ۱۹). همبستگی در حال حاضر به صورت گروه های اجتماعی و شورایاری دیده می‌شود.

معیار محوری حس تعلق خاطر و وابستگی به مکان: محله می‌تواند دارای هویت خاص خود شود، این هویت بخشی می تواند بر گرفته از هویت اجتماعی با ایجاد شبکه ای از دوستان و آشنایان در قلمرو مشترک محلی و تشکیل گروه اجتماعی)، هویت فرهنگی (نظام ارزشی خاص حاکم بر قلمرو مسکونی)، هویت کالبدی (محله دارای ویژگی‌های فرمی، شکلی، نشانه‌ها و شناسه‌های کالبدی مخصوص به خود) و هویت طبیعی (پیوند عناصر طبیعی با محله) و هویتی اقتصادی(قلمرو سکونتی دارای فعالیت‌های خاص خود) یا ترکیبی از این عوامل باشد. به این ترتیب محله‌ای که ساکنین در آن زندگی می‌کنند دارای هویتی جمعی و خاص می‌شود که

[1] Chaskin

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

متفاوت با دیگر محلات شهر می‌شود. چنین محله‌ای دارای معنی نیز می‌شود و شهروند ساکن این محله می-تواند آن را در بین محلات دیگر شناسایی کند. به تدریج ساکنین محله نسبت به آن احساس تعلق خاطر و همبستگی پیدا می‌کنند(ثقه الاسلامی،۱۳۹۱).

بر اساس تحلیل حاصل از مصاحبه انجام شده در ارتباط با مفهوم محله در بافت های جدید شهری –در این تحقیق مطالعه موردی محدوده هوشنگ مرادی از بافت جدید شهر کرمان انتخاب شده است- می توان گفت مهمترین معیارهای باز تعریف مفهوم محله سه کد گزینشی به قرار زیر است:

معیار تداوم و پیوستگی کارکردی-فضایی: ارتباط کالبدی و کارکردی مسیرهای اصلی، میادین و عناصر شاخص محلی در داخل مرزهای یک محله و تداوم ارتباط آن با سایر عناصر کارکردی و عملکردی محله (موقر،رنجبر،پورجعفر،۱۳۹۴) اساس شکل‌گیری این معیار در باز تعریف محله است.

معیار تحرک اقتصادی-اجتماعی: به حرکت افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف اطلاق می‌شود. افرادی که دارایی، درآمد، یا پایگاه اجتماعی کسب می‌کنند دارای تحرک صعودی هستند، در حالی که کسانی که درآمد و پایگاه خود را از دست می‌دهند دارای حرکت نزولی می‌باشند. در جوامع امروزی میزان زیادی تحرک جانبی نیز وجود دارد که به حرکت جغرافیایی بین نواحی، شهرها، یا مناطق اطلاق می‌گردد (گیدنز[1]،۱۳۷۶ ص. ۲۳۸) یک محله به مثابه موجودیت متحرک اجتماعی و اقتصادی و شخصیت و هویت منحصر به فردی که به وسیله تحرک ساکنین آن محل و هم جامعه قابل شناسایی است تعریف می‌شود (فلامکی ۱۳۵۵).

معیار انسجام اجتماعی و نهادی و وابستگی مکانی: محله قلمرو یک گروه اجتماعی است که تماس‌های شخصی بسیاری در میان آن‌ها برقرار باشد. محله برای ساکنین آن فرصتی برای به وجود آوردن برخوردهای غیر رسمی و انسجام اجتماعی است(بحرینی، ۱۳۷۸، ۱۵). انسجام اجتماعی و کنش و تعامل متقابل در محله زمینه همکاری و صمیمیت و احساس تعلق (وابستگی) در ساکنین را به وجود می‌آورد(ثقه الاسلامی،۱۳۹۱: ۳۱). مسائل اجتماعی و احساس تعلق به مکان در تمامی اراء اندیشمندان داخلی و مورد بررسی در این تحقیق وجود داشته و نقش انسجام اجتماعی و وابستگی مکانی در ارتباط با محله معیاری است که بسیاری از نظریه پردازان معاصر غربی نظیر جین جیکوبز[2]۱۹۶۱، لویس مامفورد[3] ۱۹۹۷، سویل اسمیت[4]،۲۰۰۸ ، آدام کای برد [5]،۲۰۱۰ و کلودیا کولتن[6]،۲۰۱۵ به آن اشاره داشته‌اند.

نتیجه گیری

همانطور که در بخش یافته‌های پژوهش ذکر گردید در ابتدا به روش فرا ترکیب و با توجه به اسناد و مدارک که شامل، کتب و پایان نامه می‌باشند، ابعاد کلیدی سازنده مفهوم محله استخراج شد. که شامل بعد عینی، بعد

1 Gidens
2 Jin Jacobs
3 L. Mumford
4 Saville Smith
5 Adam kayberd (ceo of the young foundation)
6Claudia Coulton

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

اقتصادی و بعد اجتماعی-نهادی و بعد ذهنی می‌باشند. در ادامه در راستای معیار های ذکر شده علاوه بر بررسی اسناد و مدارک از ابزار مصاحبه جهت بررسی معیارهای سازنده هر یک از نظام ها استفاده گردید که در جدول(۳) فراوانی ارجاعات به کدهای باز نشان داده شد. در راستای تلخیص داده ها سطح بندی مقولات از نظر مفهومی انجام شد. در نهایت پس از تعیین درون مایه ها و زیر درون مایه های ذکر شده به بررسی روابط علی – معلولی معیارها و معیارهای سازنده آن‌ها جهت ارائه مدل مفهومی باز تعریف مفهوم محله در بافت‌های تازه توسعه یافته، پرداخته شد.

پژوهش حاضر، در پی بازتعریف مفهوم محله در بافت های تازه توسعه یافته است. درون مایه های استخراج شده از تحلیل مصاحبه های صورت گرفته نشان دهنده نگرش ها و معانی ذهنی شرکت کنندگان در ارتباط با مفهوم محله است.

درون مایه استخراج شده گویای این امر است که معیارهای«تداوم و پیوستگی کارکردی-فضایی» و «تحرک اقتصادی-اجتماعی» و "انسجام اجتماعی و نهادی و وابستگی مکانی" معیارهایی تعیین کننده جهت باز تعریف محله در بافت‌های تازه توسعه یافته هستند. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته در شهر کرمان محلات قدیمی به دلیل پیوند با بازار از تداوم فضایی و پیوستگی کارکردی-فضایی مناسبی برخوردار بوده‌اند اما در بافت جدید شهری و نیازهای سواره و غلبه شاخص های اقتصادی نظیر سود و صرفه اقتصادی و عدم توجه به شاخص نظام تقسیمات شهری و مقیاس خدمات یا شاهد عدم تداوم و پیوستگی کارکردی –فضایی در مقیاس محله هستیم یا شاهد نازل ترین و بی کیفیت‌ترین حالت آن در قالب مجتمع‌های مسکونی، کوی ها و شهرک ها هستیم که نه تنها با یکسانی کالبد، کسالت باری را به بافت شهری افزوده بلکه ، خدمات و فضای مناسبی نیز در آن‌ها وجود ندارد. این معیار در محلات جدید شهر کرمان و به خصوص محله هوشنگ مرادی به صورت تراکم زیاد و وجود انواع کاربری های مقیاس فرا محله قابل شناسایی با شبکه دسترسی سواره محدوده شده است.

در گذشته به دلیل همگنی زندگی مردمان شهر کمتر شاهد تحرکات صعودی و نزولی مردم بوده و بیشتر تحرکات تحرکات جانبی و جغرافیایی بوده است. اما در بافت جدید شهری و ارزش شدن پول، به دلیل گرایش سرمایه به بازار زمین و مسکن و همچنین ارزش اقتصادی بالا محدوده های جدید شهری و گره خوردن بافت جدید و میانی شهر کرمان با منزلت اجتماعی، تحرکات عمدتا صعودی و نزولی می‌باشد، مردم به دلیل منزلت اجتماعی بالاتر بافت جدید، محله قدیمی و سنتی خود را رها کرده و در بافت جدید ساکن می‌شوند و بافت قدیمی به دلیل مشکلات لاینحل خود پذیرای مهاجران افغانی و یا افراد با توان و درآمد مالی پایین است، لذا تحرکات اجتماعی و اقتصادی بافت جدید شهری در محدوده هوشنگ مرادی شهر کرمان با توجه به مصاحبه-های صورت گرفته عمدتا صعودی است.

محله در شهرهای قدیم واجد مفهومی اجتماعی، فرهنگی و هویتی بود و در ساخت کالبدی شهر نیز هسته‌های اصلی شهر و عاملی جهت ایجاد سلسله مراتب فضایی و نظم کالبدی بوده است .که اولی انسجام اجتماعی و دومی انسجام نهادی را منجر می شد در واقع این سلول‌های شهری همچون اندام‌هایی خود گردان دارای محدوده و حدود مشخص و تعریف خاص خود بوده و به لحاظ کار کردی نیز خدمات خاص اهالی خود را به

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

شکلی منسجم در مرکز محلات ارائه می‌نموده است. وجود انسجام اجتماعی و نهادی به صورت تشهابهات شغلی، همبستگی‌های قومی و عشیره‌ای وابستگی به مکان زندگی و محله را باعث می‌شد که خود زمینه ساز حفاظت و نگه‌داری از محله می‌شد. اما در بافت جدید شهری با پیروی از الگوهای غربی و تجددگرا که هیچ گونه قرابتی با نیازهای خانوار ایرانی ندارد، فضاهایی فاقد هویت به وجود آورده که ساکنین آن‌ها هیچ گونه تعلق خاطری به محل سکونت خویش ندارند و با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته حس تعلق به مکان و وابستگی به آن در بافت‌های جدید شهری به شدت ضعیف می‌باشد. در ادامه مدل مفهومی باز تعریف مفهوم محله در بافت جدید ارائه می‌شود.

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

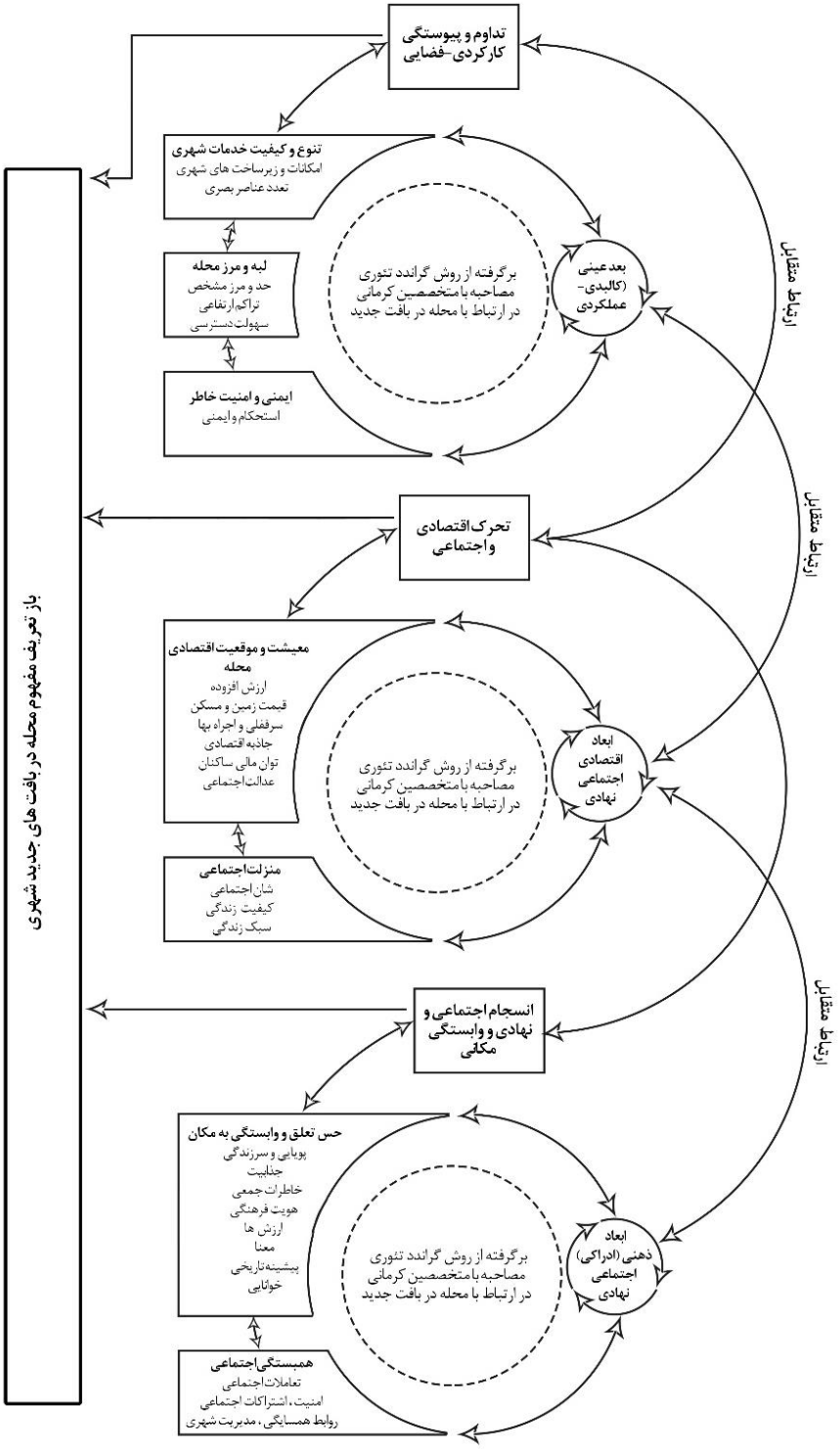

شکل(۶). مدل مفهومی باز تعریف مفهوم محله در بافت های تازه توسعه یافته شهری

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

منابع

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷)، **"فرآیند طراحی شهری"**، دانشگاه تهران، تهران.

بحرینی، سید حسین و گلناز تاجبخش (۱۳۷۸)، نقش قلمرو در طراحی شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، (۶).

بندری، زینب، ازکیا، مصطفی،(۱۳۹۱)،**"باز تعریف مفاهیم محله و محله آرمانی از دید ساکنان کلانشهر تهران: محلات آریا شهر ، تهران پارس ، امام زاده یحیی"**، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران،۳(۳):۷-۲۳.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۲)، **"بررسی تطبیقی شهرهای ایرانی و اروپایی برای ریشه یابی موانع تاریخی مشارکت مدنی"**، فصلنامه صفه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، (۳۷).

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۱)، **"آشنایی با معماری اسلامی ایران"**، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ اول، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

توسلی، محمود(۱۳۶۰)، **"ساخت شهر در اقلیم گرم و خشک ایران"**، چاپ چهارم، انتشارات مروی.

ثقه الاسلامی، عمیدالاسلام (۱۳۹۱)، **" مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران(با تحلیل نقشه‌های شناختی ساکنین)"** انتشارات سخن گستر.

جهانی دولت آباد، رحمان، شماعی، علی،جهانی دولت آباد، اسماعیل،(۱۳۹۲) **"سنجش میزان هویت محله ای با تاکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران"** نشریه علمی کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۳۱).

حبیبی، سیدمحسن.(۱۳۸۳)**"از شار تا شهر"** تهران: دانشگاه تهران.

خاکساری، علی، (۱۳۸۸)" **محله‌های شهری در ایران** "تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

خیرآبادی، مسعود.(۱۳۷۶)" **شهرهای ایران**" مترجم: حسین حاتمی نژاد و عزت الله مافی .مشهد: نیکا.

دانایی فرد، مهدی(۱۳۹۳). **"استراتژی های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد."** دو فصلنامه علمی - تخصصی مدیریت, ۵۴.

سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳)، **"کتاب سبز راهنمای شهرداری‌ها (نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی)"**، چاپ دوم، سازمان شهرداری های کشور، تهران.

شیعه، اسماعیل (۱۳۷۳)، **"در جستجوی سایتهای فرهنگی در محلات مسکونی جدید"**، در مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۶۶)، **"شکل‌گیری شهرهای ایران، در شهرهای ایران** "(جلد سوم)، به کوشش محمد یوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

قریشی، مائده، ازکیا، مصطفی، مهدوی، محمد صادق، (۱۳۹۴)، **"باز تعریف جامعه شناختی مفهوم محله از نگاه ساکنان: مطالعه پدیدارشناسی محله کن منطقه ۵ شهر تهران"**، نشریه توسعه محلی، ۷(۲).

گوهری، انسیه، ذبیحی،حسین، طغیانی، شیرین،(۱۳۹۸) **"جستاری بر کاربست دیدگاه ساکنان در تدوین مدل محله ماندگار ایرانی روزآمد به روش نظریه زمینه‌ای(مطالعه موردی: محله‌های عودلاجان، فهادان، جلفا، نارمک و اکباتان)"** نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی،۱۹(۵۴).

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، **"جامعه‌شناسی"**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]

موقر، حمیدرضا، رنجبر، احسان، پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۳)،**"بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران نمونه مطالعاتی محله های شهر نایین"**، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر ، دانشگاه کاشان،۴(۸).

Auerback, C. F., & Silverstein, L. B. (2017). **Qualitative research: An introduction to coding and analysis**. New York, USA: New York University Press

Barton, H. (2003). "**Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality**". London: Spon Press

Coulton , Claudia (2015) " **defining neighborhoods for research and policy**" Cityscape: A Journal of Policy Development and Research • Volume 14, Number 2 • 2015

Cowan, R. (2016). **The Dictionary of Urbanism**. Street wise Press, Britain.

Duanny, A. & Plater_Zyberk, E. (2018). **the Neighborhood, The District and the corridor.in peter katz, The New Urbanism: Toward an Architecture of Community**. McGtawHill,New York.

Gaffron: Huismans, G. and Skala, F. (2005). **Live, Ecocity book 1: A Better Place to; Hamburg, Vienna**: Facultas Verlags-und Buchhasdels AG.

Guo , Y , Jessica , Bhat , Chandra (2007) "**operationalizing the concept of neighborhood : application to residential location choice analysis**" Department of Civil

Howard,Ebenezer,(1902),"Garden **cities of tomorrow**" urbanplanning.library.cornell.edu. Retrieved 2018-07-02.

Mumford , L. (1954), "**THE NEIGHBORHOD AND THE NEIGHBORHOOD UNIT**" town planning review , vol.24, No.4 , pp.256-270

Perry,Clarence,(1929),"**The Neighborhood Unit**" Reginal plan of new York

S.J. Quan. (2017). **Energy efficient neighborhood design under residential zoning regulations in Shanghai. Energy Procedia**, 143 (2017) 865-872.

Saldana, J. (2009). **The Coding Manual for Qualitative Researchers**. London: SAGE Publications Ltd.

Shanghai City Government. (2018). **Shanghai 2035 Report -Shanghai Comprehensive Plan (2017-2035)**, . in: Shanghai City Government (Ed.).

Smith,Saville, K. (2008). **A National Survey of Neighbourhood Experiences and Characteristics**: Opportunities for Data Use Retrieved from Auckland

Steven Jige Quan. (2019). **Smart Design for Sustainable Neighborhood Development**. Energy Procedia, 6515-6520.

Straus, A. and Corbin, J. (2017). **Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for developing Grounded Theory**. Third Edition, Los Angeles: stage publication.

The Young Foundation,(2010),"**how can neighbourhoods be understood and defined?**" The Young Foundation August 2010.

[Downloaded from jgs.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.52547/jgs.22.64.95]